



«دیپلماسی سایبری» ابزاری برای پیشبرد منافع ملی

برگ برنده از آن کسی است که قواعد نظم دیجیتال جهانی را تعیین می کند

حکمرانی سایبری

عبدالحسین کلانتری

استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران و سرپرست پژوهشگاه فضای مجازی

«دیپلماسی سایبری» را نمی توان صرفاً در چارچوب دفاع در برابر تهدیدات سایبری تعریف کرد. تقلیل این مفهوم به مقابله با هک و نفوذ، نه تنها تصویری ناقص از واقعیت امروز فضای سایبری به دست می دهد، بلکه ما را از فهم تحولات عمیق تری که در نظم دیجیتال جهانی در جریان است، باز می دارد. مسأله اصلی اکنون این است که دیپلماسی سایبری چگونه می تواند به ابزاری برای اعتمادسازی، پیشبرد منافع ملی و افزایش اثرگذاری منطقه ای و جهانی تبدیل شود. «ایران» از سخنرانی دکتر عبدالحسین کلانتری است که در نشست «دیپلماسی سایبری» در محل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه شده است.

اثرگذاری منطقه ای

از مسیر «دیپلماسی سایبری»

تحولات اکوسیستم سایبری نشان می دهد که ما از چند مرحله متفاوت عبور کرده ایم. در اولین مرحله، مسأله اصلی، امنیت سایبری بود؛ یعنی دفاع و حفظ امنیت شبکه ها. پس از آن، پرسش این بود که چگونه می توان از فناوری برای تولید قدرت استفاده کرد. در مرحله بعد، مسأله به چگونگی استفاده از این قدرت برای مذاکره، ائتلاف سازی، تأثیرگذاری و ایجاد بازدارندگی رسید. اما اکنون پرسش بنیادی تری پیش روی ما قرار گرفته است: چه کسی «قواعد نظم دیجیتال جهانی» و در واقع زمین بازی این عرصه را تعیین می کند و چه کسی بر آن حکمرانی خواهد کرد؟

این پرسش از آنجا اهمیت بیشتری پیدا می کند که دیگر با معنای قدیمی «سایبر» مواجه نیستیم. عرصه کنونی را می توان در قالب پنج لایه «داده»، «پلتفرم»، «رایانش ابیری» و «مراکز داده» و لایه «هوش مصنوعی» درک کرد. از این منظر، عرصه پنجم دیگر صرفاً محلی برای وقوع

هک و حمله سایبری نیست. تمام این لایه ها به بخشی از میدان رقابت تبدیل شده اند و بنابراین دیپلماسی سایبری نیز نمی تواند خود را به مذاکره برای کاهش هک و نفوذ محدود کند.

ضرورت یک چرخش پارادایمی

در دیپلماسی سایبری

در چنین شرایطی، یک تغییر پارادایمی ضرورت می یابد: باید از «امنیت» به سمت «حکمرانی» حرکت کرد. مسأله فقط این نیست که چگونه از خود در برابر تهدیدات دفاع کنیم؛ بلکه این است که چگونه در شکل دهی به قواعد، مناسبات و ساختارهای نظم دیجیتال جهانی نقش داشته باشیم. این تغییر نگاه، همزمان مفهوم بازیگران عرصه دیپلماسی را نیز دگرگون می کند. دیپلماسی سنتی، در معنای کلاسیک خود، عمدتاً بر روابط میان دولت ها متمرکز بود؛ اما فضای دیجیتال شبکه ای بسیار پیچیده تر از روابط را پیش روی ما گذاشته است: رابطه دولت با دولت، دولت با شرکت ها، دولت با پلتفرم ها، دولت با جامعه فنی و دیگر اشکال تعاملاتی که در دیپلماسی سنتی چنین جایگاهی نداشتند.



دیپلماسی دیگر

در انحصار دولت ها نیست!

دیپلماسی دیگر در انحصار دولت ها نیست و شرکت ها حضور پررنگ تری در این میدان یافته اند. از همین جاست که مفهوم «دیپلماسی شرکتی» اهمیت پیدا می کند. دیپلماسی شرکتی، در این معنا، تنظیم روابط با شرکت های فرامرزی دیجیتال است؛ بخشی از دیپلماسی سایبری که اهمیت آن روزبه روز بیشتر می شود. این شرکت ها صرفاً ارائه دهندگان خدمات نیستند؛

امنیت سایبری ضروری است

اما در برابر تحولات جدید، کفایت نمی کند

برش

این تجربه، یک واقعیت مهم را نیز روشن کرد: صرف توجه به امنیت سایبری برای ایران کافی نیست. امنیت سایبری ضروری است، اما در برابر تحولات جدید، کفایت نمی کند. آنچه ضرورت دارد، قرار گرفتن دیپلماسی سایبری در جایگاهی جدی تر در سیاست خارجی ایران است؛ جایگاهی که در آن، دیپلماسی سایبری نه یک حوزه فرعی، بلکه بخشی از سیاست خارجی تلقی شود. در این مسیر، چند ضرورت به صورت همزمان مطرح می شود: تبدیل جدی دیپلماسی سایبری به بخشی از سیاست خارجی ایران، ایجاد سازوکار برای دیپلماسی شرکتی، کسب نقش فعال تر در مجامع جهانی و فرآیند قاعده سازی و حکمرانی دیجیتال و استفاده از ظرفیت های هوش مصنوعی. مسأله امروز دیگر فقط دفاع از شبکه ها نیست. مسأله، حضور در عرصه ای است که در آن قواعد نظم دیجیتال جهانی در حال شکل گیری است. از این منظر، دیپلماسی سایبری زمانی می تواند به ابزار واقعی قدرت و اثرگذاری تبدیل شود که از منطق صرفاً دفاعی عبور کند و خود را در مقام یکی از عرصه های شکل دهنده به «حکمرانی دیجیتال» و نظم جهانی آینده بازتعریف کند.



مراسم بزرگداشت پرویز ضیاء شهابی در مؤسسه حکمت و فلسفه برگزار شد

سنجیده گویی فلسفی

کم نظیر دانست و ترجمه تازه او را سندی علیه «استبداد فلسفی» نامید: این تصور که فقط یک تعریف، یک روش و یک سبک فلسفه ورزی معتبر وجود دارد. از این منظر، اهمیت «تحول تاریخی مفهوم فلسفه» فقط در انتقال یک متن مهم آلمانی به فارسی نیست؛ کتاب نشان می دهد که «فلسفه» در تاریخ، معنایی یگانه و ثابت نداشته و نسبت آن با دین، زندگی عملی، عقل، شهود و حتی غایت انسانی، همواره دستخوش تحول بوده است. به تعبیر حسینی، این اثر می تواند تصویری متفاوت از تاریخ فلسفه در اختیار خواننده فارسی زبان بگذارد. اما شاید مهم ترین بخش نشست، سخنان خود ضیاء شهابی بود: سخنانی که مراسم بزرگداشت را به درس گفتاری درباره ترجمه تبدیل کرد. او با تکیه بر دشواری آوازه های چون «آرخه» و «لوگوس» توضیح داد که ترجمه، انتقال مکانیکی معنا از زبانی به زبان دیگر نیست؛ هر زبان راه خاص خود را برای صورت بندی معنا دارد و مترجم ناگزیر است در این عبور، هم به زبان مبدأ وفادار بماند و هم ظرفیت های زبان مقصد را جدی بگیرد. تأکید او بر توانایی های فارسی در برابر موج معادل سازی های شتاب زده، دفاعی روشن از حافظه زبانی ایرانی بود؛ از «هست» و «نیست» تا «لغت نامه» و نمونه هایی که از فردوسی، بیهقی، ناصرخسرو و مولانا به میان آورد. در مجموع نکوداشت ضیاء شهابی به بزرگداشت «اخلاق فلسفه ورزی» بدل شد: کم گویی به جای اظهار فضل، احتیاط به جای قطعیت، پرسشگری به جای ادعای دانایی و احترام به زبان به جای تسلیم در برابر عادت.



جمع بندی: خارک در شرایط سخت هم رشد کرد

در مجموع، کارنامه پتروشیمی خارک در ۱۴۰۵ را می توان مجموعه ای از شاخص های مثبت دانست:

- تولید ۳ ماهه: ۱۵۰ هزار تن
- فروش ۳ ماهه: ۱۸۱ هزار تن
- درآمد عملیاتی ۳ ماهه: ۱۴ همت | رشد ۱۸۰٪
- فروش ارزی ۳ ماهه: ۱۰۶ میلیون دلار | رشد ۱۰۰٪
- سود خالص ۳ ماهه: ۵.۸ همت | رشد ۱۱۱٪
- در ۵ ماهه: تولید: ۳۰۶ هزار تن
- فروش: ۲۴۲ هزار تن
- درآمد عملیاتی: ۱۸ همت | رشد حدود ۱۲۸٪

فروش ارزی: ۱۲۰ میلیون دلار
این ارقام نشان می دهد پتروشیمی خارک در یکی از دشوارترین مقاطع، توانسته ظرفیت های تولید و فروش خود را حفظ کند و هم زمان رشد قابل توجهی در درآمد و سودآوری به ثبت برساند.

خارک در شرایط سخت هم رشد کرد؛ سود خالص ۱۱۱ درصد جهش کرد و درآمد عملیاتی ۵ ماهه نیز ۱۲۸ درصد افزایش یافت. این عملکرد، نشان دهنده توانمندی پتروشیمی خارک در حفظ و تقویت بازار و درآمد ارزی است؛ عملکردی که با مدیریت کمیل پورضیایی و تیم مدیریتی شرکت، مسیر مثبتی را طی کرده است.

فروش ارزی ۵ ماهه: ۱۲۰ میلیون دلار

پتروشیمی خارک در ۵ ماهه منتهی به مرداد ۱۴۰۵ همچنین ۱۲۰ میلیون دلار فروش ارزی به ثبت رسانده است؛ رقمی که اهمیت بازارهای صادراتی و نقش درآمد های ارزی در عملکرد این شرکت را نشان می دهد.

روند سود خالص پتروشیمی خارک

روند سود خالص شرکت در سال های اخیر:

- ۱۳۹۷ | ۲۰.۵ همت
- ۱۳۹۸ | ۲۱ همت
- ۱۳۹۹ | ۳۰.۳ همت
- ۱۴۰۰ | ۲۰.۸ همت
- ۱۴۰۱ | ۳۰.۸ همت
- ۱۴۰۲ | ۳ همت
- ۱۴۰۳ | ۶.۳ همت
- بهار ۱۴۰۴ | ۰.۴۸۲ همت
- بهار ۱۴۰۵ | ۵.۸ همت

نگاهی به این ارقام نشان می دهد سودآوری خارک در بهار ۱۴۰۵ نه تنها نسبت به مدت مشابه سال قبل جهشی کم سابقه داشته، بلکه رقم ۵.۸ همتی ثبت شده، در مقایسه با بسیاری از دوره های سالانه گذشته نیز سطح بالایی از سودآوری را نشان می دهد.

سال ۱۴۰۳ نیز با آغاز مدیریت کمیل پورضیایی در فصل زمستان همراه بوده و عملکرد ثبت شده در بهار و پنج ماهه ۱۴۰۵، تصویری مثبت از روند شاخص های مالی و عملیاتی شرکت ارائه می دهد.



تجاری شرکت در یک محیط عملیاتی دشوار است.

درآمد عملیاتی ۵ ماهه: رشد ۱۲۸ درصدی

درآمد عملیاتی خارک در ۵ ماهه منتهی به مرداد ۱۴۰۵ به ۱۸ همت رسیده، در حالی که این رقم در مدت مشابه سال ۱۴۰۴ حدود ۷.۹ همت بوده است.

درآمد عملیاتی ۵ ماهه:

- ۵ ماهه ۱۴۰۴: ۷.۹ همت
- ۵ ماهه ۱۴۰۵: ۱۸ همت
- رشد: حدود ۱۲۸ درصد

به این ترتیب، خارک در پنج ماه نخست سال توانسته درآمد عملیاتی خود را بیش از دو برابر کند؛ رشدی که در کنار عملکرد فروش و تولید، تصویر مثبتی از روند درآمدزایی شرکت ارائه می دهد.



خارک در

شرایط سخت

هم رشد کرد؛

سود خالص

۱۱۱۱ درصد

جهش کرد و

درآمد عملیاتی

۵ ماهه نیز

۱۲۸ درصد

افزایش یافت.

این عملکرد،

نشان دهنده

توانمندی

پتروشیمی

خارک در

حفظ و تقویت

بازار و درآمد

ارزی است؛

عملکردی که با

مدیریت کمیل

پورضیایی و

تیم مدیریتی

شرکت، مسیر

مثبتی را طی

کرده است

